



داکتر سید عبدالله کاظم

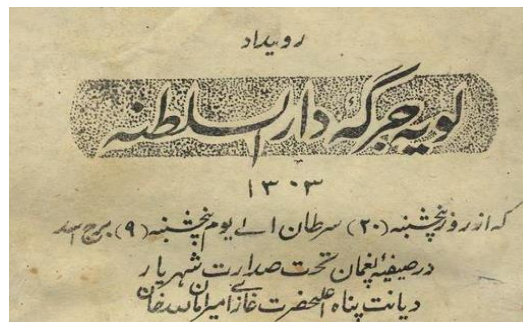
به همکاری: محمد ایاز نوری (آزادی) و نازک میر زهیر

20 آگست 2016

"رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303"

(به تقریب نود و هفتمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان)

(قسمت دهم)



د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

قرائت نظام نامه اساسی

{ بعد از قرار گرفتن آراء عمومی بر خواندن مکرر نظامنامه اساسی مملکت افغانی منشی نظام نامه مزبور را با آواز بلند خواندن آغاز نهاد و ذات خسروانه در تحت هر فقره و هر ماده آن توضیحات و تشریحات عام فهمی را برای حضار ایراد مینمود و بر فقره های که بعضی افراد معترض می میشدند یا در آن موضوع چیزی گفتن را خواهش مینمودند، آنرا بیرون نویس کرده یادداشت می گرفتند و بیک لهجه شفقت کارانه آنرا امر میدادند که منتظر تمام شدن تمام مواد بوده در خاتمه مکرراً همین فقرات خوانده میشود باز نظریات خود ها را در آن گوش گذار لویه جرگه نمائید، چنانچه بعد از اختتام آن بر چند فقره گفت و شنید بعمل آمد که راقم الحروف در ذیل فقراتی را که بر آن تنقید و بحث بعمل آمده بود، بآن موادیکه ذات همایونی تشریحات قابل تحریر را ایراد داشته اند، قلمبند میدارد.

مولوی عبدالواسع: بر ماده (2) اعتراض نمود که این نظامنامه در غیاب من ترتیب شده و بعض مسائل ضعیفه شرعیه در آن داخل است اکنون باید اصلاح شود. درین ماده بعد از لفظ آداب عمومی علامات فارقه شرعی نیز ایزاد گردد تا در بین اهل هنود و مسلمانان مانند سابق فذق و امتیازی که از آن ظاهراً شناخته شوند، باشد.

فیض محمد وکیل: مراعات و نوازشاتیکه اعلیحضرت غازی بهندو های مملکت افغانی عطا و مرحمت فرموده اند بهمه شما معلوم است که نه تنها در مملکت همسایه ما هندوستان بلکه در جمیع اهل هنود جهان قدر و قیمت و عزت و شرف افغانستان را دو چندان نموده است. اکنون اگر ما آن مراعات را که وجود آن در امورات مذهبی و اصول مقدس دینی ما هیچیک نوع خرابی و ضرری را که عائد نمیکند، از سر آنها برداریم، معلوم است که اهل هنود افغانستان در این باب هیچ داد و فریادی را نخواهد برداشت، لکن اثرات این مفکوره ما در هندوستان و بنظر دیگر اهل هنود جهان بسیار خراب آمده بجای منافع در سیاست برای ما مضراتی را تولید خواهند کرد.

اعلیحضرت: نیز بتائید فیض محمد خان پرداخته یک بیانیه مطولی را در اتحاد هندو و مسلم هندوستان و فوائد آن و ذکر همدردی اهل هنود را بامسلمانان در موقع جنگ جهانی عمومی و در مسائل ترکیه و تحریک خلافت و در حصول استقلال هند و افغانستان ایراد کنان فرمودند: اگر ما تکلیفی را که از آنها مرفوع و مراعاتی را که بدانها داده ایم، دو باره مانند سابق اجراء نمائیم، معلوم است که در آن چیزی فایده نمیشود برعکس آن خدا نا خواسته افغانستان موجب نفاق و شقاق اتحاد و همدردی موجوده هندو و مسلم هندوستان خواهد شد و دشمنان در این موقع دست یافته باندازه این دو کتله عظیم الشان نوع بشری را از هم دور و با همدیگر خواهند انداخت که یکی بخوردن خون دیگر آماده خواهند شد. نی! لازم نیست که ما و شما برطبق مقررات دینی خود با آنها معامله نمائیم و مراعاتی را که به آنها داده ایم باید از آنها بر نداریم و ما آنها را جهت امتیاز هندو و مسلمان امر تاکید قشقه زدن را بنمایم و محض جهت مراعات جذبات شما علمای اسلام اعلام آنرا از بستن دستار سفید نیز مانع خواهیم شد. تصور نکنید که از این مراعات هندوهای افغانستان از ملت و یا حکومت سرکشی خواهند نمود و یا قوتی را اکتساب خواهد کرد و روزی آنرا برخلاف مسلمانان استعمال خواهند نمود، زیرا هنود افغانستان مانند دیگر سکنه افغانستان کاملاً حب وطن و تحفظ نام و ناموس و شرافت افغانی را حمایه و حفاظت میکنند. چنانچه در موقع جهاد همین هندوها بهمراه غزاه و عساکر ما بمقابله انگلیس رفت بودند و در همه گونه خدمات و بر داشت تکالیف یک گام پیشتر از تبعه افغانستان همیگذارند.

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لوی

مولوی فضل ربی: آیه شریفه (لم ینھکم اللہ عن الذین لم یقاتلونکم) را قرائت و به تفسیر آن پرداخته گفت در صورت که آنها با ما دست اتحاد میدهند و در همه گونه مصائب و آلام با ما اظهار همدردی مینمایند، ما را هم لازم است طبق مقررات مذهبی خویش از مراعات و بعضی تسهیلات با آنها خود داری نکنیم و پاس خاطر یکعده بزرگ مظلومان مسلمان را که بزیر حکومت اغیار و با اهل هنود سر و کار دارد بنمائیم.

میرزا غلام مجتبی خان: هم یک تقریر مفصل در باره فوائد اتحاد هندو و مسلم و همدستی های هنود هندوستان با مسلمانان بیان داشته بطرف ضرر و خرابی هائیکه از ارتفاع این مراعات عائد شدنی است، نیز توضیحات داده و گفت که هنود افغانستان هم علامات فارقہ دارند و هم تکالیفی را که حکومت به آنها میگذارد بخوبی در معرض اجراء میگذارند. اگر با وجود آن باز از تعصب و تنگ حوصلگی کار گرفته شود، معلوم است که ملت و حکومت ما خوب مقتدر است که هنود موجوده افغانستان را تماماً ته [زیر] تیغ نمائید و از نبودن آنها هیچگونه ضرر و مصیبتی نه بملت و نه بحکومت عائد گردد. لکن دقت باید کرد و از عقل و خرد باید کار گرفت که امثال این تعصب خواهی و نفاق پسندی ما در هندوستان چه اثرات را تولید خواهد نمود و هنود هند با مسلمان مظلوم آنچه معاملات را بر پا خواهند کرد.

{در اینجا یک میدان معارضه و گفت و شنید و قرائت آیات قرآنی و احادیث (نبوی) و فرمایشات پیشوایان دینی در بین علماء و فضلاء لویه جرگه قایم گشته هر کدام در بین خود ها گفت و شنید و جواب و سؤال را در اعطای مراعات و عدم آن بر پا داشته، ذات ملوکانه سرا پا گوش شده بیک وضعیت بشاشت آوری بسوی عرایض و و گذارشات هر کدام حسب نوبت عطف توجه میفرمود. بالاخره بعد از رد و بدل اسوله و اجوبه [سؤالها و جوابات] بسیار رأی عمومی به این قرار گرفت: چیزیرا که اعلیحضرت غازی نسبت بگذاردن قشقه و نه بستن دستار سفید و مراعات نمودن جذبات مسلمانان برای اهل هنود افغانستان فرموده اند، درست است. ما تماماً برآن متفقیم صرف در نظام نامه اساسی لفظ علامات فارقہ ایزداد گردد و ذات جهانبانی بکمال شادمانی و خرمی و سرور رأی عمومی را قبول کرده این مبحث بزدن کف های شادمانی خاتمه پذیرفت. د.ب.}

میرزا مجتبی خان مستوفی: بر ماده که منظوی بر نقل حکومت افغانستان به اولاد ارشد اعلیحضرت (امیر امان الله خان) است قیام ورزیده ذکر خدمات بر حسنه و مساعی جمیلہ شاهانه را بتفصیل نهایت خوب و الفاظ مرغوب برای حضار بیان داشته در خاتمه گفت که ما شرکاء لویه جرگه تماماً از صدق دل و خلوص نیت حق حکومت خودها را الی ماشاء الله باولاده این پادشاه دیانت آگاه ترقیخواه ملت دوست خویش چنانچه مرقوم است میدهم.

لویه جرگه: تماماً تائید قول مزبور را بکمال گرمجوشی نموده این مبحث نیز بکمال گرمجوشی خاتمه یافت!

اعلیحضرت: بعد از قرائت ماده که در آن بار حکومت و مسئولیت بر دوش وزراء بوده ذات ملوکانه غیرمسئول قرار داده شده، فرمودند که این لفظ غیرمسئولیت را مجلس شورا و وزراء بر خلاف خواهش من و میل من ایراد نموده اند. حالانکه من خودم را ایماناً و وجداناً و عقیدتاً غیرمسئول در ا جرات سلطنت و مملکت نمی انگارم و انصافاً میگویم در صورت عزل و نصب و تنزیل و ترفیع وزراء و مامورین را خودم مینمایم، باید ضرور در بدنامی و نیکنامی آنها نیز خود را بدرجه اول مسئول بانگارم. خدای خود را شاکرم که مرا یک پادشاه عیش پرست، تنبل و کاهل نیافریده است تا

خودم در خانه نشسته مشغول لهو و لعب و ساعت تیری بوده متسلی باشم که کار های مملکت را وزراء میکنند. نی! خداوند شاهد است (و کفی با الله شهیدا) خودم بنفس خود در هر وزارت طوری کار میکنم که یک وزیر بسیار جدی و فعال کار کند. از این رو این لفظ غیرمسئولیت در اینجا بیمعنی است و من خودم را بهمین یک لفظ از این بارگران امانت خالق منان سبکدوش و غیرمسئول گفته نمی توانم زیرا که مردن دارم و خداوند از من بروز حشر خواهد پرسید.

غلام محمد خان وزیر داخلی: یک نطق مطولی را در عرق ریزیها و زحمت کشی های همایونی که بالذات در کار و اجراءات هر وزارت میفرمایند، ایراد نموده امثال و نظائر خرده گیریها و کارروائیها غیرواحد همایونی را در هر وزارت بلب و لهجه و بیان و زبان بی ساخته که دارند، بیان داشته حاضرین را تحت رقت و سرور آوردند این مبحث نیز بیک عالم دعا گوی و شادمانی و کف زدندهای خرمی اختتام یافت.

مولوی عبدالواسع: بهمین تقریب بر پا خاسته گفت این فقره نظامنامه ها بسیار درست و متین است باید وزراء در همه اجراءات و عملیات و خوبی و خرابی و عزت و ذلت مملکت مسئول باشند، ذات شاهانه را نباید در مقام مسئولیت بار ذمت آنها را بر دوش همت خویش بردارند، بگذارند که خود آنها در مسائل اعتراضیه و اجراءات و کارروائی خود جواب بگویند. از ذات همایونی اینطور شیوه شفقت و مرحمت با وزراء مرعی دارند که در حین استنطاق و باز پرس هم آنها را به آسایش گذاشته از طرف آنها مدافعه نمایند، معلوم است که آنها بیشتر از این غافل شده وقعتی بکار و وظیفه خود نخواهند داد و بجز از فوائد شخصی خود باصلاحات مملکتی توجه نخواهند کرد. اگر واقعاً ذات اشرف ملوکانه چنانچه اظهار میفرمایند کار وزارتها را خودشان انجام میدهند و از طرف آنها جواب و سؤال هم میکنند، پس بودن آنها برای نام چی بکار است؟ و اگر آنها از خود وظیفه دارند، پس چرا بار آنها را بزمه خود می بردارید؟ نقص کلی از همین امر است که وزراء خودشان را مسئول نمی انگارند که انواع خرابی در هر طرف در کار های وزراء هویدا است مثل وزیر صاحب داخلی ما که در مقرری و انتخاب مامورین زیر دست خود وقت را بکار نمیبرد و تشخیص مرض و علاج را چنانچه لازم است، در معرض اجرا نمی آورد و مانند وزیر صاحب معارف که تمام امورات معارف را در تعویق افکنده است و احدی را از ایشان ذمه داری این مسائل را بر خود نمی پندارند.

فیض محمد خان وزیر معارف: مولانا آنچه که شما میفرمائید یک دعوی است بلا دلیل که مانند شما افراد جلیل باید بامثال اینقال و قبل صرف اوقات ننمائید. باز هم وزارت معارف حاضر است که جواب مقنعه همه گونه اعتراضات و تنقیدات شما را بخدمت تان تقدیم کند. بسم الله در پیشگاه عموم آمده سؤال کنید و جواب بشنوید و مسائله و تعویقی را که وزارت معارف در امورات عرفانیه افغانستان نموده باشد، بنمائید [نشان دهید].

اعلیحضرت: مولوی عبدالواسع را مخاطب کنان فرمودند اعتراض شما بیجا ست و کار های عموم وزارت ما تاجائیکه قوه بشری متحمل شده می تواند، خوب است و درست، تنقید را که سوء انتخاب وزارت داخلیه مینمائید و عدم تطبیق مرض و معالجه را بیان داشتید، جداً قابل اعتراض است زیرا انتخاب مامورین تنها تعلق به وزیر داخلیه ندارد بلکه مجلس مامورین آنرا انتخاب و وزیر آنرا تصویب میکند و در هنگام انتخاب و منظوری هیچ یک از مامورین بصفات و خصالیکه بعد از گذاره یکسال بعضی از آنها بدان مشتهر میشوند، دیده نشده است. در صورتیکه یک حاکم و مامور در حین مقرری، شخصی درست و متدین و ذی اخلاق بنظر می آید بعدها کار خراب بکند، آیا ذمه داری آن عائد بحکومت

است؟ در صورتیکه تنها وزیر داخلیه او را بدون تصویب مجلس مقرر کند و یا آن مامور ظاهراً خراب گفته شود و یا بعد از شکایت و خرابی آن او را زیر محاکمه و استنطاق نیاورده باشد و یا بعد از اثبات جرم او را محکوم بجزا ننموده باشد، معلوم است که وزیر داخله مسئول است و الا اگر قاعدهً یک شخص درست ثقه را به تصویب عمومی بکاری بر گمارد، وی بمحل ماموریت خود رفته بر خلاف توقع یک کار خراب بکند آیا مسئول آن حکومت است؟ پس چرا اولیاء الله و اشخاص صاحب دیانت و با صفا با وجود ریاضت کثیر و عبادت بسیار، دفعتاً در آخر عمر و یا در وقت نزع گمراه و پیرو شیاطین میشوند.

(ای بسا ابلیس آدم رو که هست +++ پس بهر دستی نباید داد دست)

آنچه که نسبت بمعارف گفتید بخیالم بجز از اینکه وزیر معارف شما را از شعبه کار خود موقوف نموده و شما شکایت شخصی خود را بصورت تنقید بروی عائد میکنید، دیگر امری نخواهد بود، (دشمن طاوس آمد پر او) زیرا تا حال امورات معارف بسیار خوب و کارروائی او تما ماً قابل تقدیر است. سلمنا اگر یکی از وزراء مرتکب جنحه و جنایت و یا به زیر دیگر مسئولیت بیاید، مرجع و محل باز پرس آن مجلس دیوان عالی است نه شما. پس از کدام رهگذر شما میخواهید وزرایم را به زیر استنطاق بیاورید و تنقید بر آنها میکنید. مطلب اینکه اعتراض ملا عبدالواسع خارج از مبحث است و تنقید را که نموده ملا خبط و خطا کرده است. در مواد مجلس بحث کنید.

یک وکیل: یک نطق دعایه را در حسن انتخاب مامورین و انتظام مهامیم و درستی و با قاعده بودن جمیع امور مملکتی ایراد کنان ملامتی را بر مولویصاحب عائد داشته گفت: هر شخصیکه از وی بهتر دگر بنظر نیاید چون بکاری رسید ضرور مردم از وی شاکمی میشوند حتی اگر خود مولویصاحب بکدام مقام حاکم باشد، گمان میکنم که نیک نام نخواهد ماند.

اعلیحضرت: در ذیل از آن ماده که در آن ذکر صدراعظم بود فرمود: بعضی از حضرات خواهند گفت که در این نظامنامه نام صدراعظم است و نشانی از آن بنظر نمی آید، لهذا معروض میدارم چون خودم یک مرد جوان و شوق و محبت فوق العاده را نسبت بخدمت ملت و مملکت خود دارم و هم رجال دانشمندی را که متحمل همچه یک بار گران مملکت شده بتواند، سراغ ندارم و هم خواهشمند نیستم که مابین من و ملت من یک سد و حائلی در میان باشد، از اینرو فعلاً تا وقتیکه میتوانم این کار را علاوتاً بر ایفای وظایف امارت بردوش خود گرفته ام، چنانچه فعلاً این کاری را که در لویه جرگه باشما مینمایم، حیثیت صدارت عظمی را دارد و اموراتیکه بعد از فراغ مجلس در شب و صبح و عصر اجراء میکنم، از وظایف پادشاهی است و من شاکر که اکثری از مامورین به همین خیال و مسلک من رفتار داشته شوق مزیدی در انجام مهام مملکت خویش دارند، چنانچه رئیس صاحب عمومی شورای دولت هم کارهای وزارت خارجه را بصورت و کالت مینماید و هم امورات شورایه را بقسم اصالت ایفا مینمایند.

لویه جرگه: بر این مساعیات و خدمات و جانفشانی های همایونی عموماً غلغله دعا گوئی و یک آوازه شادمانی را بلند نموده دعای مزید موفقیت و توفیق خدمت و شوق و تحفظ شریعت و احکام اسلامیت را بحضور اعلیحضرت تحفه نمودند.

(ادامه در قسمت یازدهم)